

و منابع حدیثی و کتابهایی که تمامی سخنان امام حسین علیه السلام را گردآوری کرده‌اند، یافته و دیده نشده است. شایان گفتن است این جمله، مصراع دوم از یک بیت شعر و بدین گونه است:

«قَفْ دُونَ رَأْيِكَ فِي الْحَيَاةِ مُجَاهِدًا

إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ؛  
در زندگی پای عقیده‌ات بایست و  
در راه آن تلاش کن؛

براستی که زندگی، عقیده داشتن و  
در راه آن تلاش کردن است.»

باید گفت که یکی از مراکز حدیث پژوهی در حوزه علمی قم، هنگام

بس نکته با تو گویم شاید ندیده باشی  
تا دسته دسته نرگس زین باغ چیده باشی  
در شماره پیشین چند نکته برای  
مبلغان بیان گردید. اکنون به چهار نکته  
دیگر که بیشتر به محترم و امام  
حسین علیه السلام مربوط است اشاره می‌کنیم.

#### نکته اول:

یکی از سخنانی که دارای  
مضمونی انقلابی و از شهرت فراوانی  
نیز برخوردار و گویند که از امام  
حسین علیه السلام است، این است که: «إِنَّ  
الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ».

حدیث‌شناسان و حدیث‌مداران  
بر این عقیده‌اند که این سخن در کتابها

می‌گویند امام حسین علیه السلام فرموده است: «إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ». حیات یعنی داشتن یک عقیده و در راه آن عقیده جهاد کردن. نه، این با فکر فرنگیها جور در می‌آید که می‌گویند انسان باید یک عقیده‌ای داشته باشد و در راه آن عقیده بجنگد. قرآن از «حق» سخن به میان می‌آورد. جهاد و حیات از نظر قرآن یعنی «حق‌پرستی» و «جهاد در راه حق»، نه عقیده، و جهاد در راه عقیده.

عقیده ممکن است حق باشد و ممکن است باطل باشد. «عقیده» انعقاد است؛ هزاران انعقاد در ذهن انسان پیدا می‌شود. این مکتب دیگری [غیر از اسلام] است که می‌گوید انسان باید بالاخره یک عقیده و آرمان و ایده‌ای داشته باشد و باید در راه آن آرمان هم، جهاد و کوشش کند؛ حال آن عقیده چیست؟ می‌گویند هر چه می‌خواهد باشد. قرآن حرفهایش خیلی حساب شده است؛ قرآن همیشه می‌گوید «حق» و «جهاد در راه حق»، نمی‌گوید «عقیده، و جهاد در راه عقیده». می‌گوید اول عقیده‌ات را باید اصلاح کنی. بسا هست که اولین جهاد [تو]، جهاد با

پاسخ به این پرسش نگارنده که سراینده این شعر کیست و پیشینه آن چیست، این‌گونه فرموده‌اند: «سراینده این شعر، شاعری مصری به نام «احمد شوقی» بوده است و این شعر بر بالای روزنامه‌ای در کشور مصر بوده که از سوی انقلابیهای آنجا و در زمان «سید جمال‌الدین اسدآبادی» منتشر می‌شده است.»

در اینجا سزամند است که تحلیلی علمی و عقیدتی در این زمینه را نیز از استاد دین پژوه و اسلام شناس، شهید آیت الله مرتضی مطهری رحمته الله علیه، به قلم آوریم:

«مطلبی می‌خواهم بگویم [که شاید برای برخی ناراحت کننده باشد، چون] بعضی از جوانان از شنیدن چیزی که برخلاف میلشان باشد ناراحت می‌شوند.

جمله‌ای به امام حسین علیه السلام منسوب شده است که نه معنایش درست است و نه در هیچ کتابی گفته شده که این جمله از امام حسین علیه السلام است و چهل، پنجاه سال هم بیشتر نیست که در دهانها افتاده است.

کند و در راه حق جهاد کند. این مسأله که در راه عقیده باید جهاد کرد، یک فکر فرنگی است که بعدها در میان مسلمین به صورت این شعر آمده است:

قَفْ دُونَ رَأْيِكَ فِي الْحَيَاةِ مُجَاهِدًا

إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ

من می‌خواهم این مطلب را عرض کنم - چون دیدم چند نفر از جوانان دلشان می‌خواهد که این جمله از امام حسین علیه السلام باشد و خوششان نیامده که من گفتم این جمله از امام حسین علیه السلام نیست - که ما برای نسل جوان این احترام را نسبت به نسل گذشته قائل هستیم که آنان را حقیقت‌جو می‌دانیم، نه متعصب در عقیده‌ای که - ولو بدون دلیل - پیدا کرده است.

اولاً: اگر بنا شود نسل جوان این‌طور باشد که اگر یک چیزی در کلاهش رفت، نشود آن را بیرون آورد و اگر بدون هیچ دلیل و منطقی چیزی را گفت، نشود با او درباره عقیده‌اش

خود عقیده‌ات است؛ اول باید با عقیده‌ات جهاد کنی و عقیده درست و صحیح و حق را به دست بیاوری؛ بعد که حق را کشف کردی، باید در راه حق جهاد کنی.<sup>۱</sup>

استاد مطهری در پایان جلسه نهم همین کتاب «انسان کامل» توضیح بیشتری در این‌باره بدین گونه می‌دهند:

«من مطلبی را در مسجد جاوید گفتم که برای توضیح بیشتر باز در اینجا تکرار می‌کنم. در یکی از آن جلسات درباره این جمله‌ای که اخیراً به نام امام حسین علیه السلام معروف شده که: *إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ* عرض کردم که در هیچ مدرکی از مدارک اسلامی چنین جمله‌ای از امام حسین نقل نشده است، بنابراین سند ندارد. این جمله معنایش هم درست نیست و با منطوق امام حسین جور در نمی‌آید. منطوق اسلام این نیست که زندگی این است که انسان یک عقیده‌ای داشته باشد و در راه عقیده‌اش جهاد کند. در اسلام صحبت عقیده نیست، صحبت «حق» است. زندگی این است که انسان حق را پیدا

۱ - انسان کامل، چاپ نوزدهم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

حرف زد، این نسل هم مانند نسلِ کهن می‌شود؛ منتها شما از این جمله خوشش آمده و او از جمله دیگری خوشش آمده؛ او بی دلیل به عقیده خودش چسبیده، شما هم بی دلیل به عقیده خودت چسبیده‌ای.

ثانیا: شما عجالتاً از زبان دوست خودتان می‌شنوید که این جمله نه منطقاً با اسلام تطبیق می‌کند و نه در هیچ کتابی، مدرک و سندی دارد. حال فرض کنیم یک آدمی از مخالفان و دشمنان شما، یک آدم غیرمسلمان که انسان واردی باشد، به شما که دائماً می‌گویید جمله «إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ» را امام حسین علیه السلام گفته است، بگوید:

آقا! هرچه که امام حسین علیه السلام گفته است، لابد مدرک و سندی در کتابی دارد؛ امام حسین علیه السلام در کجا این سخن را گفته است؟ شما که پیدا نمی‌کنید. بعد می‌آید سراغ من، می‌گویید این جمله «إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ» در کجاست؟ زود به من نشان بده، می‌خواهم مدرکش را به یک آدم مخالفی که با او مباحثه کرده‌ام نشان دهم. آن وقت من به شما می‌گویم آقا

این جمله در هیچ کتابی [از قول امام حسین علیه السلام] وجود ندارد. بعداً به من می‌گویند پس چرا تا به حال به من نگفتید؟ به من خواهید گفت شما که همیشه می‌دیدید ما این حرفها را می‌زنیم، چرا یک بار به ما نگفتی این جمله از کلمات امام حسین علیه السلام نیست که ما این اشتباه را نکنیم؟ همان وقت، مثل شمایی به مثل منی حمله خواهد کرد که آقا شما چرا این قدر سکوت کردید، نگفتید و نگفتید تا وقتی که ما در مقابل دشمن گرفتار شدیم و محکوم شدیم. حالا داری به ما می‌گویی که چنین جمله‌ای نیست؟!

ثالثاً: اگر شما از جنبه حماسی شیفته این جمله هستید، امام حسین علیه السلام جمله‌هایی صددرجه بالاتر از این جمله دارد. آیا «إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ» بالاتر است یا همین جمله‌ای که خواندم: «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ»؟ کدامیک بهتر است؟ آیا این بهتر است یا جمله روز امام حسین علیه السلام که فرمود:

أَلْتَمَوْتُ خَيْرًا مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ  
وَالْعَارِ أَوْلَىٰ مِنْ دُخُولِ النَّارِ<sup>۱</sup>

آیا این بالاتر است یا همان جمله دیگر روز عاشورای امام حسین علیه السلام که فرمود: «أَلَا وَإِنَّ الدَّعَىٰ ابْنَ الدَّعَىٰ قَدَرَكُنَيْنِ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَةِ، وَهِيَ هَاتِ مِثْلَ الذَّلَةِ، يَأْتِي اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ؟ آیا آن جمله بالاتر است یا جمله‌ای که در خطبه‌اش فرمود: «مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهَاجِرَةً وَمَوْطِنًا عَلَىٰ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ فَلْيَتْرَحِلْ مَعَنَا، فَإِنِّي رَاحِلٌ مُضِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَىٰ»<sup>۲</sup> و ده‌ها جمله دیگر؟

ما که در فقر شعار نیستیم. اگر ما مردمی بودیم که در فقر این جور شعارها بودیم، یعنی شعارهای زنده حماسی نداشتیم، اگر می‌گفتند جمله‌ای مال امام حسین علیه السلام است می‌گفتیم حال که ما از خودمان چیزی نداریم، یک جمله دیگر را - العیاذ بالله -

به نام امام حسین می‌گوییم. ما هیچ دچار فقر شعار نیستیم. آن قدر از خود امام حسین، از پدر امام حسین، از برادر امام حسین، از مادر امام حسین، از فرزندان امام حسین، شعارهای زنده داریم که دنیا باید بیاید و از ما قرض

کند. ما چرا برویم شعار مردم - آن هم شعار نادرست مردم - را قرض کنیم؟! شایسته نیست نسل جوان تعصب بورزد.

باز هم می‌گوییم، واقعاً اگر کسی این جمله را پیدا کرد<sup>۳</sup> من قول می‌دهم بالای همین منبر بیایم و بگویم که من اشتباه کردم. ولی ما باید مستند حرف بزنیم، نه همین طور غیرمستند یک چیزی را بگوییم.<sup>۴</sup>

#### نکته دوم:

سخن مشهور دیگری و با مضمون زیر را به امام حسین علیه السلام نسبت می‌دهند که ایشان فرموده‌اند:  
إِنْ كَانَ دِينٌ مُحَقَّمًا لَمْ يَسْتَقِيمَ إِلَّا بِقَتْلِي يَا سَيِّدِي خُذْنِي؛ گر دین محمد جز با جان سپاری من راست نمی‌ماند، ای شمشیرها! بسایید و مرا در آغوش خویش گیرید.

۱- نفس المهموم، ص ۱۲۸؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۱۹.

۲- لهوف، ص ۵۳؛ كشف الغمّه، ص ۱۸۴.

۳- من به احتمال نود و نه درصد می‌دانم که پیدا نمی‌شود. اینکه صد درصد نمی‌گویم برای این است که ادعا نکرده باشم.

۴- انسان کامل، ص ۲۴۰-۲۴۴.

**منطق اسلام این نیست  
که زندگی این است که  
انسان یک عقیده‌ای  
داشته باشد و در راه  
عقیده‌اش جهاد کند. در  
اسلام صحبت عقیده  
نیست، صحبت «حق»  
است. زندگی این است  
که انسان حق را پیدا کند و  
در راه حق جهاد کند.**

صادق علیه السلام نسبت می‌دهند، این سخن  
شعرگونه است:

۱- موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام،  
پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، سازمان تبلیغات  
اسلامی، چاپ اول، قم، نشر معروف، ۱۴۱۵،  
مقدمه (ح).

۲- دائرة المعارف تشیع، زیر نظر دکتر احمد  
صدر حاج سید جوادی و دیگران، چاپ دوم،  
تهران، انتشارات مؤسسه دائرة المعارف تشیع،  
۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۳۷ (با اندکی ویرایش).

گفتنی است کتابی که همه سخنان  
امام حسین علیه السلام را گردآوری و تدوین  
کرده است، نه تنها به این سخنان نیز  
اشاره‌ای ننموده، بلکه تصریح کرده  
است این سخن - هرچند که مضمون  
آن خوب است - از امام حسین علیه السلام  
نیست و از شاعری به نام «شیخ  
أبو‌الحب» است که در سال ۱۳۰۵  
هجری قمری درگذشته است.<sup>۱</sup>

در کتاب «دائرة المعارف تشیع» نیز  
چنین نگاشته شده است: «شیخ محسن  
(۱۲۳۵- ۱۳۰۵ ه.ق) فرزند حاج محمد  
حویزی حائری آل ابی‌الحب، از اعظام  
خطبا و شعرای شیعه و صاحب دیوان  
شعری به نام «الجائریات» و قصیده  
معروفی است که آن را در مجالس حسینی  
در سراسر جهان تشیع می‌خوانند و زبان  
حال ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام است و دو  
بیت اول آن قصیده چنین است:

**أعطيت ربّي مَوْثِقاً لا يَنْتَهِي  
إلا بقتلى فاصعدى وذرىنى  
إن كان دين محمد  
لم يستقم إلا بقتلى يا سيوف خذنى.<sup>۲</sup>**  
نکته سوم:

یکی از سخنانی که ظاهراً به امام

«كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءٌ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءٌ؛ هر روزی [خود] عاشورا است، هر زمین [هم] کربلاست.»  
و گاه نیز عبارت «وَكُلُّ شَهْرٍ مُحَرَّمٌ؛ هر ماهی [هم] محرم است.» را به آن می‌افزایند.

این قلمزن تا آن مقدار که خود پژوهیده است و از حدیث پژوهان بزرگی همچون حضرت آیت الله شبیری زنجانی - دامت برکاته - و مراکز حدیث پژوهی دیگر نیز پرسیده است، تاکنون نتوانسته است این سخن را به امام صادق علیه السلام و یا امامی دیگر علیهم السلام نسبت دهد و نیز نتوانسته است گوینده این سخن را بیابد. یادمان باشد حدیث دیگری از امام حسن علیه السلام و با مضمون «...لَا يَوْمَ كَيْتُومِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...؛ ای ابا عبدالله! هیچ روزی چون روز [شهادت] تو نخواهد بود.» وجود دارد که با سخن پیشین، نه تنها همخوانی و همسازی ندارد، بلکه در آن ناهمخوانی و ناهمسازی دیده می‌شود؛ مگر آنکه سخن پیشین را به گونه‌ای دیگر تبیین و تحلیل کنیم.

### نکته چهارم:

همانگونه که می‌دانیم پوشیدن لباس

سیاه در هنگام نماز - به جز چند مورد مانند عبا و عمامه سیاه - طبق فتوا و نظر بسیاری از مراجع معظم تقلید کراهت دارد و از ثواب کامل نماز می‌کاهد.<sup>۲</sup> اینک اگر دینداران و ولایت‌مدارانی در ایام سوگواری چهارده معصوم علیهم السلام، مانند روز تاسوعا و عاشورا، لباس سوگ و سیاه بر تن نمایند و با آن نماز بخوانند، آیا باز هم انجام دادن چنین کاری برای آنان کراهت دارد و از ثواب اعمال نماز هایشان می‌کاهد؟

برخی از مراجع بزرگوار تقلید می‌فرمایند:

چون انجام دادن این کار از مصادیق تعظیم شعائر است، دارای رُحجان شرعی است و نماز خواندن با چنین لباسی که نشانه عزاداری معصومان علیهم السلام است، دارای کراهت نیست.<sup>۳</sup>

۱- الأملی، شیخ صدوق، مجلس ۲۴، حدیث ۳.  
۲- توضیح المسائل مراجع، گردآوری سید محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، ۲ جلد، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۵۲، ۴۵۳ م.  
۳- جامع المسائل (استفتائات)، آیت الله محمد فاضل لنکرانی، دو جلد، چاپ پنجم، قم، [بی‌نا]، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۲۱، ۶۲۰ و ۲۱۷۰ و ۲۱۷۱.